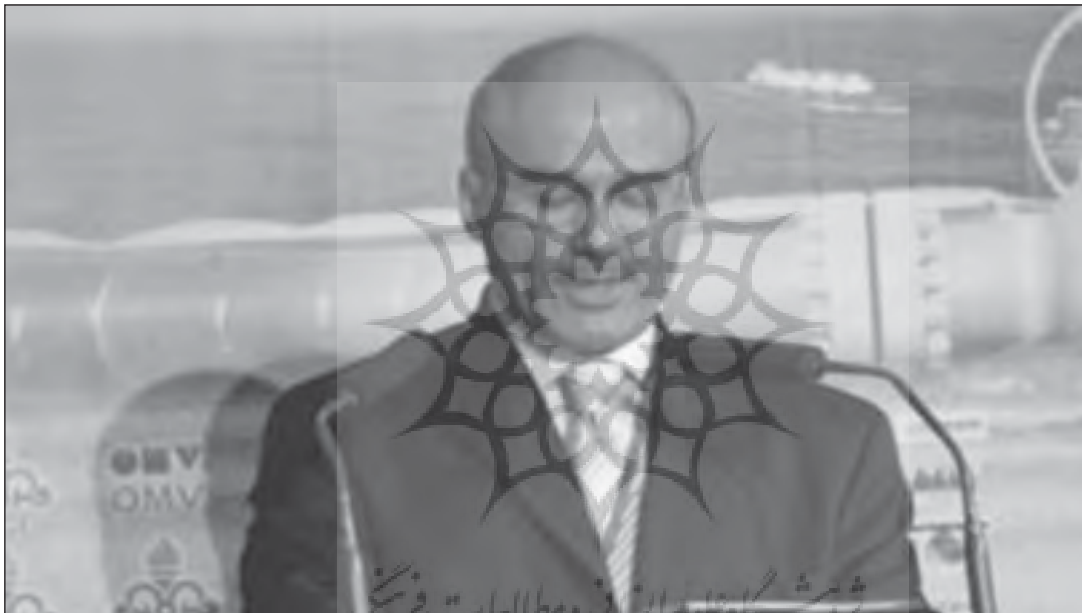


# سفته‌بازی عامل اصلی افزایش قیمت‌های نفت

مصاحبه با دکتر قبازد  
مدیر بخش تحقیقات دبیرخانه اوپک



مازاد دارد که عمدتاً در عربستان سعودی متمرکز است، دیگر اعضا (تولیدکنندگان بزرگ) نیز از ظرفیت مازاد برخوردار هستند. ثانیاً اوپک در حال سرمایه‌گذاری عظیمی بر روی افزایش ظرفیت تولید خود است. ما تخمین می‌زنیم که تقریباً ۱۲۰ پروژه به ارزش ۱۵۰ میلیارد دلار در حال حاضر در حال اجراست که ظرفیت مازاد اعضا اوپک را تا سال ۲۰۱۲ به بیش از ۵ میلیون بشکه در روز می‌رساند. این مقدار برابر با ۱۴ تا ۱۵ درصد کل تولید اعضا است. اما تا آنجا که به نقش اوپک مرتبط است، اوپک در حال حاضر ۱۳-۱۲ عضو دارد که ۴۰ درصد نفت جهان را تولید می‌کنند (تقریباً ۳۱/۶ میلیون بشکه در روز با در نظر گرفتن آنگولا) مهمترین هدف اوپک حفظ تعادل بازار است تا عرضه کافی، کارآمد و به موقع را برای پاسخ‌گویی به تقاضای کشورهای مصرف‌کننده داشته باشد. و این سازمان در حال تحقق این هدف است. اوپک علاوه بر این هدف باید منافع سرمایه‌گذاران پروژه‌های نفتی را نیز حداکثر کند. این موضوع باعث

اوپک از زمان تشکیل همواره سعی کرده است تا بتواند به عنوان بزرگ‌ترین سازمان کشورهای تولیدکننده نفت، نقش تعیین‌کننده‌ای را در تولید و تعیین قیمت‌های نفت خام داشته باشد. در چندسال اخیر به دلیل افزایش قیمت نفت، تولیدکنندگان با حداکثر ظرفیت تولیدی به تولید پرداخته‌اند و این امر باعث تضعیف نقش‌های اصلی اوپک در بازار گردیده است. برای تشریح این امر با دکتر قبازد، مدیر بخش تحقیقات دبیرخانه اوپک به گفتگو نشستیم:

**اقتصاد انرژی:** همانگونه که مستحضرید وجود ظرفیت مازاد تولید یکی از مهمترین ابزارهای قدرت کشورهای عضو اوپک می‌باشد. در حال حاضر کشورهای اوپک با توجه به شرایط بازار و تقاضای زیاد تا آنجا که می‌توانند تولید می‌کنند و به بیان دیگر هیچ‌گونه ظرفیت مازاد در اختیار این کشورها نیست. با این اوصاف به نظر شما نقش اوپک در چنین شرایطی چگونه خواهد بود

پاسخ: اولاً اوپک در حال حاضر بیش از ۳/۵ میلیون بشکه ظرفیت

مسکن شاهد بحران بودیم. بسیاری از مردم، صندوق‌ها، بانک‌ها و سرمایه‌گذاران سرمایه‌های مالی خود را از این بازار بیرون کشیدند و به دیگر بازارها به‌ویژه بازار کالاهایی همچون نفت منتقل کردند و همین مسأله باعث افزایش سفته‌بازی در بازار نفت و فشار بر قیمت‌های نفت‌خام تا سطحی که در حال حاضر با آن مواجه هستیم شد. دلیل دیگر که البته آن هم به اوضاع اقتصادی ایالات متحده برمی‌گردد افت ارزش دلار بود که باعث شد بسیاری از مردم ضررهای خود در بازار را با انتقال سرمایه‌هایشان به بازار کالایی همچون نفت خنثی کنند. این موضوع باعث شد تا با سرریز وجوه به بازار نفت مواجه شویم. حجم معاملات بازار کاغذی ۴ یا ۵ برابر بازارهای فیزیکی شده و این مسایل باعث جدا شدن قیمت‌ها از بنیادهای بازار و حرکت قیمت‌ها در مسیر کنونی شده است. این وضعیت در آینده تغییر خواهد کرد، بازار درک خواهد کرد که سهم عوامل بنیادی در این قیمت‌ها بسیار کم بوده است و بنابراین قیمت‌ها افت خواهد کرد. در طول دو هفته گذشته قیمت‌ها ۱۲ دلار افت داشته است و البته من نمی‌خواهم پیش‌بینی کنم اما اگر بازار متوجه شود که عرضه به اندازه کافی است، ممکن است قیمت‌ها به سطح ۷۰ دلار برسد.

**اقتصاد انرژی:** برخی بر این اعتقادند که سیاست‌های اوپک بیشتر تحت تأثیر مصرف‌کنندگان است تا تولیدکنندگان آیا شما با این مسأله موافقید؟

پاسخ: من با این موضوع کاملاً موافق نیستم. البته در بسیاری از تجارت‌ها مصرف‌کنندگان دارای تأثیری بر فروشندگان هستند. فروشندگان معمولاً (در فضای تجاری) علاقه‌مندند تا به نیازهای خریداران پاسخ دهند. این مسأله در صنعت نفت نیز مصداق دارد. اما علیرغم این موضوع تصمیم‌سازی‌های اوپک کاملاً مستقل انجام می‌گیرد و از هیچ سازمان خارجی متأثر نمی‌شود. وزرای کشورها با یکدیگر ملاقات کرده و در خصوص مسائل بازار بحث و بررسی می‌کنند. ما مطالعات و پیش‌بینی‌های متنوعی را انجام می‌دهیم. تقریباً ۸۰ نفر در خصوص بررسی بازار در اوپک فعالیت می‌کنند. این افراد همگی متخصصانی هستند که تحولات بازار نفت دغدغه هر روز ایشان است و با این پشتوانه به وزرای ۱۳ کشور مشاوره می‌دهند. وزراء به دبیرخانه می‌آیند و به تحلیل‌ها و بحث‌های این متخصصان گوش می‌دهند سپس به آمار و ارقام خود نگاه می‌کنند و سپس با بحث و بررسی در جلساتی کاملاً بسته و بدون دخالت هیچ ارگان یا فرد خارجی اقدام به تصمیم‌گیری می‌کنند.

حفظ یک بازار نفت متعادل با قیمت‌های منطقی برای مصرف‌کنندگان و سرمایه‌گذاران می‌شود.

**اقتصاد انرژی:** آیا شما تصور می‌کنید که اوپک در حال حاضر می‌تواند بازار فیزیکی نفت را کنترل کند. بعضی معتقدند که چون اوپک در حال حاضر ظرفیت مازاد ندارد نقش این سازمان در بازار از تأثیرگذاری فیزیکی به تأثیرگذاری روانی تبدیل شده است نظر شما در خصوص این مسأله چیست؟

پاسخ: اگر منظور شما کنترل کردن قیمت است باید بگویم که ما دیگر تنها بر قیمت‌ها تمرکز نداریم. اوپک میل به کنترل قیمت‌های نفت ندارد. ما در حال حاضر تلاش می‌کنیم تا معادله عرضه و تقاضا را کنترل کنیم. به علاوه اگر اوپک اثر خود را در بازار از دست داده پس من نمی‌توانم بفهمم که چرا جهان همچنان نسبت به اجلاس‌ها و تصمیمات اوپک واکنش نشان می‌دهد. تصمیمات اوپک عمیقاً بر بازار

بین‌المللی نفت تأثیر می‌گذارد و هر تصمیمی که اوپک می‌گیرد برای بازار نفت اهمیت فراوانی دارد. این موضوع به این دلیل است که اوپک ظرفیت مازاد دارد و ۸۰ درصد ذخایر نفت جهان را کنترل می‌کند. بنابراین سازمانی که ۴۰ درصد تولید نفت جهان و ۸۰ درصد ذخایر آن را در اختیار دارد سازمان بسیار مهمی بوده و برای ثبات بازار نفت اهمی ضروری است.

**اقتصاد انرژی:** در چند سال اخیر قیمت‌های نفت‌خام شاهد روندی افزایشی بوده است. برخی متخصصان معتقدند که این روند ادامه می‌یابد و برخی دیگر بر این باورند که روند فوق متوقف شده و شاهد افت قیمت‌ها خواهیم بود. نظر شما در این خصوص چیست؟ آیا این روند ادامه پیدا می‌کند یا قیمت‌ها کاهش می‌یابند؟ این روند به چه عواملی وابسته هستند؟

پاسخ: امروزه قیمت نفت‌خام انعکاس‌دهنده بنیادهای بازار نفت نیست. این قیمت‌ها نشان‌دهنده عرضه و تقاضا، تولید و ظرفیت مازاد نیستند. بلکه قیمت به شدت تحت تأثیر بورس‌بازها و سفته‌بازان است. قیمت نفت تا پایان تابستان سال ۲۰۰۷ که اثر وضعیت اقتصادی ایالت متحده شروع به ظاهر شدن کرد و همان روند سال ۲۰۰۶ را دنبال کرد اما اثر وضعیت اقتصادی در پایان تابستان بسیار شدید شد و روندهای قیمت شروع به جدا شدن از روندهای سال ۲۰۰۶ کردند و در طی ماه سپتامبر، اکتبر و نوامبر ۲۰۰۷ شاهد افزایش بالغ بر ۲۰ دلار در قیمت‌های نفت بودیم. اما چرا این اتفاق افتاد؟ در یکی از بخش‌های اقتصادی آمریکا یعنی بازارها و نهادهای مالی و به‌ویژه بازار

#### امروزه قیمت نفت‌خام انعکاس‌دهنده

بنیادهای بازار نفت نیست. این

قیمت‌ها نشان‌دهنده عرضه و تقاضا،

تولید و ظرفیت مازاد نیستند. بلکه

قیمت به شدت تحت تأثیر بورس‌بازها

و سفته‌بازان است

حجم معاملات بازار کاغذی ۴ یا ۵

برابر بازارهای فیزیکی شده و این

مسایل باعث جدا شدن قیمت‌ها از

بنیادهای بازار و حرکت قیمت‌ها در

مسیر کنونی شده است

## نبود عرضه کنندگان مطمئن؛ مانع مهم عدم تشکیل نوباکو

*امنیت عرضه گاز در اروپا یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های حال حاضر کشورهای اروپایی و اتحادیه اروپا است. به همین منظور اروپایی‌ها به دنبال متنوع‌سازی مسیرها و مبادی صادراتی گاز خود بوده‌اند و ایران را یکی از نقاط استراتژیک جغرافیایی برای این منظور تلقی می‌کنند. همین مسأله باعث شد تا با یکی از متخصصان این موضوع در موسسه CGES به گفت و گو بنشینیم.*

مصاحبه با "جولیان لی" ( Lee )  
تحلیل‌گر ارشد مؤسسه CGES

منطقه را هر روز با وابستگی بیشتر به منابع انرژی و به ویژه نفت و گاز مواجه می‌کند. بسیاری از اعضای جدید اتحادیه اروپا دارای دیدگاه متفاوتی در خصوص عرضه‌کنندگان مرسوم انرژی به اروپا به ویژه روسیه به عنوان مهمترین تأمین‌کننده گاز منطقه هستند. بنابراین فکر می‌کنم که اتحادیه اروپا در شرایط کنونی تا حدی در شرایط عدم اطمینان به سر می‌برد. همچنین تصور می‌کنم که اتحادیه اروپا در تلاش است تا بازنگری‌هایی در روابط تاریخی بسیار مستحکم و دوستانه خود با آمریکا داشته باشد. ایالات متحده در سه چهار سال اخیر سیاست‌هایی را دنبال کرده که بسیاری در اروپا با آن مخالفند. همین موضوع باعث شده تا نقشی جدید برای اروپا ایجاد شود که با مناسبات بسیار نزدیک گذشته آن با آمریکا متفاوت خواهد بود. به تصور من اروپا شروع به حرکت در مسیری کرده که کم‌کم آن را تبدیل به یک صدای مستقل می‌کند. در حال حاضر این صدای مستقل به وضوح شنیده نمی‌شود چون این روند در سیر تکاملی خود قرار دارد و من فکر می‌کنم که در حال شکل‌گیری است. گاز اروپا در حال حاضر از طریق مبادی عرضه مرسوم در دریای شمال، روسیه و شمال آفریقا به خوبی تأمین می‌شود. اما اروپا در حال حاضر با جدیت به منابع جدید عرضه همچون منطقه خزر، ایران و مصر نیز فکر می‌کند. این پروژه‌ها همگی زمان بر بوده و لذا نباید اروپا به تنهایی به خاطر تأخیر در این پروژه‌ها سرزنش شود. به نظر می‌رسد که هم‌چنان مشاجرات فراوانی در داخل ایران در خصوص محل‌های مصرف منابع گاز کشور وجود دارد. کاملاً مشخص است که بخشی از این گاز باید برای تزریق مجدد و حفظ فشار مخازن نفتی مصرف شود. از سوی دیگر دلایل محکمی برای توسعه تجارت LNG در ایران وجود دارد که باعث باز شدن بازار بزرگ جدیدی برای ایران خواهد شد. ایران تأکید فراوانی در برنامه‌های خود برای صادرات به

**اقتصاد انرژی:** اولین سؤال من در مورد خط لوله گاز نوباکو است که برای تأمین گاز اروپا در حال ساخت است. آیا شما تصور می‌کنید که این خط لوله بالاخره تکمیل خواهد شد و به نظر شما الزامات تحقق این پروژه چیست؟

پاسخ: من فکر می‌کنم که بزرگترین مانع، یافتن عرضه‌کنندگان مطمئن و متعهد برای تأمین گاز این خط لوله است. تصور بنده این است که چنین عرضه‌کنندگانی در حال حاضر وجود دارند. آذربایجان و ایران مهمترین این عرضه‌کنندگان محسوب می‌شوند و من امیدوارم که روابط سیاسی اتحادیه اروپا و ایران به نحوی پیش رود که این امر محقق شود. به نظر من با وجود بی‌توجهی کنونی اتحادیه اروپا به نوباکو، این خط لوله همچنان به عنوان یک خط لوله مستقل خصوصی که توسط کنسرسیومی از شرکت‌های اروپایی حمایت می‌شود روند تکمیلی خود را ادامه خواهد داد. بنابراین آنچه در این میان اهمیت دارد رابطه بین این شرکت‌ها و ایران است. با این اوصاف جمع بندی من این است که پروژه خط لوله نوباکو نهایتاً به شرط وجود عرضه‌کنندگان متعهدی که دارای عرضه کافی گاز برای این خط لوله باشند روند تکمیلی خود را ادامه خواهد داد.

**اقتصاد انرژی:** در طول دو سال گذشته ما شاهد افزایش قابل توجهی در تقاضای انرژی بوده ایم که در قیمت‌های نفت نیز منعکس شده است. با وجود اینکه اروپایی‌ها نیاز به تأمین عرضه انرژی خود از منابع خارجی دارند آن‌چنان بر تأمین انرژی (به ویژه گاز) از ایران تمرکز نکرده‌اند. شما اشاره کردید که یک سری عوامل سیاسی در مسیر ساخت خط لوله نوباکو وجود دارد. آیا شما فکر می‌کنید که تقاضا برای انرژی نهایتاً بر این موانع فائق می‌شود یا اروپا می‌خواهد گاز مورد نیاز خود را از منبعی غیر از ایران تأمین کند؟

پاسخ: من تصور می‌کنم که اروپا در مسیری حرکت می‌کند که این

موضوع در خصوص ونزوئلا و تا حدودی ایران مصداق دارد. اقتصاد ایران از محل این قیمت‌ها منافع زیادی برده و کاهش آنها اوضاع ناگواری را برای ایران به بار خواهد آورد. نگرانی اصلی من این است که قیمت‌ها در طولانی مدت در سطحی بالا باقی نمانند زیرا این مسأله تأثیر زیادی بر مصرف نفت خواهد داشت. من تا حدودی نیز نگران این هستم که بار دیگر اتفاقات نیمه دهه ۸۰ تکرار شود. البته ممکن است بگویید به هر حال، در دهه ۸۰ شاهد توسعه نفت شمال و آلاسکا و رشد انرژی هسته‌ای در جهان بودیم که بر تقاضای نفت اوپک تأثیر می‌گذاشتند. بله این موضوع درست است. اما بخش قابل توجهی از نفت هنوز در آسیا و تا حدودی در اروپا مصرف می‌شود. اگر این بازارها به دلیل تصمیم به جایگزینی نفت با دیگر حامل‌های انرژی بگیرند ۱۲ تا ۱۷ میلیون بشکه در روز از تقاضای بازار حذف خواهد شد که تأثیر قابل توجهی بر بازار خواهد داشت.

**اقتصاد انرژی:** برخی از متخصصین بر این اعتقادند که قیمت‌های بالای کنونی، مشابه قیمت‌های شوک اول نفتی در سال ۱۹۷۳ است که آمریکا می‌خواست دلارها را از بازار جمع کند. آیا شما با این موضوع موافقت می‌کنید؟

پاسخ: نه به نظر من این اتفاقات توسط آمریکا و یا هر قدرت دیگری مهندسی و طراحی نشده است. اما من گاهی اوقات فکر می‌کنم که آیا دولت ایالات متحده واقعاً به اندازه‌ای که افواه عمومی تصور می‌کند از این قیمت‌های بالا نگران است. به نظر من دلالتی موجود است که نشان می‌دهد تا وقتی که این قیمت‌های بالا به اقتصاد آمریکا صدمه نمی‌زند سیاست‌مداران آمریکایی از این قیمت‌های بالا ناخشنود نیستند. این قیمت‌های بالا برای صنعت آمریکا خوب است و فرصت خوبی

را برای اجرای سیاست محدود کردن وابستگی این کشور به واردات نفت فراهم می‌کند و لذا از آن استقبال می‌کنند. بنابراین شاید این مسأله یکی از دلالتی باشد که آن چنان اعتراض جدی را از سوی آمریکا نسبت به این قیمت‌ها مشاهده نمی‌کنیم.

**اقتصاد انرژی:** به عنوان سؤال پایانی می‌خواستم پیش بینی شما از روند قیمت‌های نفت در کوتاه مدت را جویا شوم؟

پاسخ: به نظر من قیمت‌ها در کوتاه مدت به احتمال فراوان افزایش خواهد داشت. مادر فصل زمستان در نیمکره شمالی هستیم و این دقیقاً زمانی است که همیشه تقاضای نفت افزایش می‌یابد. این زمانی است که تقاضای نفت به سرعت رشد می‌کند چون هوا ناگهان به شدت سرد می‌شود. من فکر می‌کنم با توجه به تصمیم اوپک مبنی بر عدم افزایش تولید و حفظ سهمیه گذشته قطعاً سطح ذخیره‌سازی‌ها در جهان کاهش یافته و با این اوصاف فشار تقاضای روبه بالایی را در زمستان خواهیم داشت. من جداً هیچ فشار تقاضای روبه پائینی را نمی‌بینم مگر اینکه اقتصاد آمریکا دچار رکود شود و اگر این اتفاق بیفتد به نظر من فشار روبه پائین خواهیم داشت.

شرق و کشورهای هند و پاکستان به دلیل بازار بزرگ این منطقه دارد و به نظر من سیاست صحیحی است زیرا آن بازارها هم نزدیک تر هستند و هم بزرگ و هم وابسته به واردات.

**اقتصاد انرژی:** در خصوص روند افزایشی قیمت‌های نفت در چند سال اخیر، همان طور که می‌دانید، در صد سال اخیر چندین شوک در قیمت‌های نفت به وقوع پیوسته که هر کدام به دلایل خاصی بوده و دوره‌ای کوتاه را به خود اختصاص داده و قیمت‌ها دوباره افت کرده است. اما به نظر می‌رسد که قیمت‌های بالای جاری دارای دلالتی مشابه با شوک‌های گذشته نباشد و از ماهیتی متفاوت برخوردار باشند. آیا امکان دارد که نظراتان را در این خصوص بفرمائید؟

پاسخ: به نظر من این موضوع کاملاً صحیح است. اگر کسی با دقت شوک‌های نفتی و به ویژه شوک سال ۱۹۷۰ را بررسی کند به وضوح به این نتیجه خواهد رسید که این شوک‌ها دارای ماهیتی متفاوت هستند. در شوک‌های گذشته ما شاهد دو برابر و یا چند برابر شدن قیمت نفت در یک دوره چند ماهه بودیم. آنچه ما اکنون مشاهده می‌کنیم افزایش یکنواخت قیمت‌ها در یک

دوره سه چهار ساله است که با وضعیت گذشته کاملاً متفاوت است. یعنی این روند افزایش قیمت تدریجی بوده و بنده فکر می‌کنم که بخشی از آن به دلیل رشد بیشتر تقاضا نسبت به عرضه است. تصور من بر این است که قیمت‌های بالای کنونی کمک می‌کند تا تقاضای جهانی کنترل شود. رشد تقاضای سال جاری در حدود رشد تقاضای سال گذشته و نصف رشد تقاضای سال ۲۰۰۵ بوده است. این در حالی است که رشد تقاضای سال ۲۰۰۵ نصف رشد تقاضای سال ۲۰۰۴ بوده است. این به این معناست

که نرخ رشد تقاضا در حال کاهش است. به نظر من بخشی از مشکل از آنجا ناشی می‌شود که مردم هر سال به سال بعد نگاه می‌کنند. فرقی ندارد می‌خواهد اوپک باشد می‌خواهد آژانس بین‌المللی انرژی و یا مشاورین مستقلی همچون مؤسسه خود ما (CGES) باشد همه نسبت به تولید غیر اوپک بسیار خوش بین هستند و این مسئله برای اوپک بسیار مهم است. چون اوپک تصمیمات تولید خود را بر اساس انتظاراتی که از تولید دیگر تولیدکنندگان دارد اتخاذ می‌کند و اگر انتظاراتش بیشتر از آنچه ما واقعاً از تولیدکنندگان غیر اوپک می‌گیریم باشد تصمیم به سطح پایین تری از تولید می‌گیرد و به اندازه‌ای که می‌تواند تولید نمی‌کند. من فکر می‌کنم که تولیدکنندگان نسبت به برخی انگیزه‌هایی که به دنبال تخریب بازار و کاهش قیمت‌ها هستند نگران هستند. شکی ندارم که بسیاری از کشورهای عضو اوپک قیمت‌های بالای کنونی نفت را موجه و بسیار ضروری می‌دانند. افت قیمت‌ها کنونی تا سطح ۴۰ تا ۵۰ دلار در هر بشکه وضعیت دشواری را برای برخی از کشورهای عضو اوپک به بار می‌آورد. در بسیاری از کشورهای تولیدکننده نیازهای درآمدی کوتاه مدت ناشی از درآمدهای بالای نفت در یکی دو سال اخیر پدید آمده است. به نظر من این

**به تصور من اروپا شروع به حرکت در مسیری کرده که کم کم آن را تبدیل به یک صدای مستقل می‌کند در حال حاضر این صدای مستقل به وضوح شنیده نمی‌شود چون این روند در سیر تکاملی خود قرار دارد و من فکر می‌کنم که در حال شکل گیری است**